

توصیه‌های خواندنی دکتر مرندی همسر و پدری موفق

لذت زندگی مشترک را تا جوانید، تجربه کنید



موضوع خانواده در زندگی فردی و اجتماعی بسیار مهم است. در گذشته استحکام خانواده‌ها بیشتر از الان بود و جوانان هم تمایل بیشتری به ازدواج داشتند. اما اکنون آمار ازدواج پایین آمده و زندگی‌های مشترک نیز کم‌ثبات شده‌است. عوامل مختلفی در این موضوع نقش دارد. دولت و مجلس به این مسئله از بعد فرهنگی و اجتماعی نگاه نمی‌کنند و مشکلات اقتصادی هم بر کاهش آمار ازدواج تأثیر گذاشته است. قوانینی برای افزایش جمعیت تدوین شده، اما قبل از آن باید شرایط را برای ازدواج جوانان تسهیل کرد. اگر دخترها و پسرها تشویق شوند و امکان ازدواج برایشان فراهم شود و در جوانی بچه‌دار شوند، فاصله سنی آنها با فرزندانشان کمتر خواهد بود و می‌توانند در زندگی مشترک لذت با هم بوند. فرزندان زوری و تشکیل خانواده را تجربه کنند. پدر و مادرها هم وظیفه دارند فرزندانشان را به ازدواج تشویق و در این راه آنها را حمایت کنند. گاهی پدر و مادرها به غریزه جنسی جوانان توجه نمی‌کنند اما اگر شرایط ازدواج شرعی را برای جوانان فراهم نکنیم ممکن است به سمت ناهنجاری‌های اجتماعی بروند و هر چه سن فرزندان بالاتر برود، کمتر به توصیه پدر و مادرها گوش می‌دهند و مایلشان برای ازدواج کمتر می‌شود.

خیلی از پدر و مادرها و جوانان مشکلات اقتصادی را مطرح می‌کنند که البته تا حدودی حق دارند. اما سن از خودم و فرزندانم مثال می‌زنم. توه بسری من وقتی ازدواج کرد، عروس خانم حدود ۳سال در خانه پسرم زندگی کرد و بعد از آن خانواده‌ها کمک کردند و توانستند آپارتمان کوچکی برای خود فراهم کنند. اینجا همه مقدر است و در گذشته هم اتفاق می‌افتاده و غیرعادی نیست. اما الگوهای بدی که در جامعه وجود دارد، مانع از ترویج این نوع سبک زندگی می‌شود. متأسفانه گاهی چشم به‌هم‌چشمی‌ها باعث می‌شود که همه جوان‌ها بخواهند از همان شروع زندگی مشترک صاحب خانه و ماشین باشند. اتفاقا اگر زن و شوهر از ابتدا با زندگی بسیار ساده شروع کنند، یا با والدین خود زندگی کنند تا بعدها صاحب خانه و ماشین شوند، لذت بیشتری از زندگی می‌برند. همیشه به فرزندانم توصیه کرده‌ام که فرزندان خودشان را به ازدواج ترغیب و تشویق کنند. درست است که از نظر اقتصادی مشکلاتی هست، اما ازدواج محاسن زیادی دارد. قبول دارم که کشورمان شرایط اقتصادی مطلوبی ندارد اما در امر ازدواج، باید دستور اسلام را انجام دهیم. جوانان با عشق و مصمیمت زندگی را شروع کنند و خداوند هم در این زندگی برکت می‌گذارد.

حتی یک دروغ از پدرم نشنیدم

یکی از ویژگی‌های دکتر مرندی که همکارانش به آن اشاره می‌کنند پایبندی به رعایت مسائل اسلامی است. دکتر مرندی معتقد است اگر پدر و مادر خود را ملزم به رعایت اخلاق اسلامی بدانند، روی تربیت فرزندان تأثیر مثبت دارد. او درباره پدر و مادرش خاطره‌ای برایشان نقل می‌کند: «پدر و مادرم تأکید خیلی زیادی روی اعتقادات مذهبی و رعایت اخلاق اسلامی داشتند.

از ویژگی‌های مهم پدرم این بود که هیچ‌گاه از او حتی یک دروغ نشنیدم. او همیشه می‌گفت: «دروغ گفتن در زندگی ضرورتی ندارد و نباید دروغ گفت». من هم یاد نمی‌آید جایی نیازی شده باشد که غیراقتبیت را بگویم. معتقدم اگر پدر و مادر به فرزندانشان بگویند دروغ نگو، اما خودشان به‌پناه‌های مختلف دروغ بگویند دچار دوگانگی می‌شوند و آنها هم دروغ خواهند گفت. وقتی می‌خواستیم به مدرسه بروم، گاهی مادرم نخواستی یا نجیر در جیب می‌گذاشت و سفارش می‌کرد تنها نخورم و به هم‌کلاسی‌هایم هم تعارف کنم. می‌گفت اگر کم آمد تنها کسی که نخورد خودت هستی همیشه در ذهنم دیگران را مهم‌تر از خودم جلوه می‌داد و انقدر این تکرار شده بود که جزو خلقیاتم شد و این را موهبت الهی می‌دانم.»

دلیل انتخاب رشته پزشکی چه بود؟

در انتخاب و تحصیل‌اش در رشته پزشکی چند نفر نقش داشته‌اند و همیشه از آنها یاد می‌کنم. او می‌گوید: «پسر دایمی که با ما زندگی می‌کرد، از من ۵سال بزرگ‌تر بود و پزشکی می‌خواند. خیلی به‌او علاقه‌مند بودم و یکی از دلایلی که دوست داشتم در رشته پزشکی تحصیل کنم، او بود. دلیل دیگر هم طبییی به نام دکتر میرعلایی بود که پزشک محلمان بود و ما هر زمانی مریض می‌شدیم نزد او می‌رفتم. رفتار و منشش بر من تأثیر زیادی گذاشته بود و دوست داشتم مانند او پزشک شوم و به مردم خدمت کنم. از همان وقت به فکر کنکور و قبولی در رشته پزشکی بودم. هم داشتم که دانشگاه‌های تهران پزشکی بودند. مرحوم دکتر قریب از من خواست که دستیار ایشان شوم ولی حقوق نمی‌دادند و چون شرایط مالی خوبی نداشتم، به پیشنهاد دکتر قریب، برای گرفتن تخصص به آمریکا رفتم که بتوانم حقوق داشته باشم و درس بخوانم.

گفتگو

دکتر سیدعلیرضا مرندی از عده‌ز زندگی مشترک برایشان می‌گوید

هیچ فردی را به اندازه همسرم دوست ندارم

خانواده و فرزندان خوب از برکات یک زندگی است

شهره کیانپوران

دکتر سیدعلیرضا مرندی، متخصص کودکان و فوق تخصص نوزادان از آمریکا است. وزیر بهداشت سابقه ۲ دوره نمایندگی مجلس را در کارنامه سیاسی‌اش دارد و از سال ۱۳۸۸ نیز رئیس فرهنگستان علوم پزشکی جمهوری اسلامی ایران است. اما بهانه گفت‌وگو ما با او، شنیدن تجربه‌های شیرین زندگی مشترک با همسرش است. دکتر مرندی، متولد ۱۳۱۸ است و در آستانه پنجاه و هشتمین سالگرد ازدواجش با «معصومه طباطبایی» برایشان از عشق و محبتی می‌گوید که همچنان مانند روز اول ازدواج میان آنها وجود دارد. او می‌گوید: «اگر بچه‌ها شاهد مهر و محبت میان پدر و مادر خود باشند، در آینده پدران و مادران خوبی خواهند بود.»

آقای مرندی، چه سالی

ازدواج کردید؟

سال ۱۳۴۴ ازدواج کردیم و اردیبهشت امسال، ۵۸ سال می‌شود که من و معصومه خانم زندگی مشترک خود را شروع کرده‌ایم.

چند سال در ایران بودید؟

حدود یک سال بعد از ازدواجمان و برای گذراندن دوره سپاه بهداشت در ایران بودیم و بعد از آن برای گرفتن تخصص و ادامه تحصیل به آمریکا رفتم و ۱۴ سال در آنجا زندگی کردم.

شما ۱۴سال در آمریکا

زندگی کردید و بعد از انقلاب به ایران برگشتید. این بدان معنی است که از همان ابتدا، زندگی مرفهی داشته‌اید؟

خیر! اصلا اینگونه نبود. پدر و مادر من هیچ وقت صاحب خانه نشدند. ما در خانه مادربزرگ که خیلی هم بزرگ نبود زندگی می‌کردیم. در گذشته چند برادر و عروس و نوه‌ها در خانه پدري و با هم زندگی می‌کردند و غیرعادی به‌نظر نمی‌آمد. ارتباط ما و بقیه اعضای فامیل خیلی خوب بود. پدر من تا آخر عمر حتی یک دانگ از هیچ ملکی نداشت. خانواده من شرایط اقتصادی نسبتا سختی داشتند و گاهی می‌دیدم پدر و مادرم از خوردن غذای ساده نان و پنیر هم صرف‌نظر می‌کردند تا بچه‌ها بتوانند غذا بخورند. من از همان سال اول دانشکده پزشکی می‌خواستم ازدواج کنم، اما وضع مالی‌ام مساعد نبود. پدرم نصف حقوقش را برای تحصیل من که در تهران بودم می‌فرستاد و می‌دانستم که خیلی در مضیقه‌ام. با اینکه خیلی صرفه‌جویی می‌کردم، اما نمی‌توانستم از عهده هزینه ازدواج و همسرداری بربیایم. از طرفی هم اگر ازدواج می‌کردم باید از خوابگاه دانشگاهی بیرون می‌رفتم؛ زمانی که من سیاهی‌بهداشت بودم و دوره آموزشی را گذرانده بودم، دو هفته به‌ما مرخصی دادند. در همین فاصله مراسم خواستگاری، عقد و ازدواجمان صورت گرفت. پدر و مادر همسرم انسان‌های بسیار شریفی بودند. پدر همسرم به‌ما مرخصی دادند. کارمند بود. زندگی آنچنانی نداشتند و همسرم به زندگی معمولی عادت داشت. زمانی که ازدواج کردیم، شرایط

چه تأثیری بر تربیت فرزندان دارد؟

پدر و مادرها باید برای بچه‌هایشان الگو باشند. ابراز محبت به همسر باید در مقابل فرزندان باشد تا آنها هم این رفتار را یاد بگیرند و به همسرانشان عشق بورزند. خیلی وقت‌ها اگر بچه‌ها ببینند که پدر و مادرشان با سختی مالی زندگی خود را شروع کرده‌اند، به هم سر کوفت نمی‌زنند و در اداره زندگی با هم مشارکت دارند، آنها هم درس می‌گیرند و در آینده و هنگام ازدواج سختگیری نمی‌کنند.

شما اهل سختگیری در ازدواج

فرزندانتان بودید؟

خیر! مهریه دختران، عروس و نوه‌های من تا جایی که به یاد دارم ۱۴سکه بوده حتی ممکن است مهریه بر برخی از آنها ۱۲ یا ۵سکه بوده باشد، اما بیشتر از ۴سکه نبوده است. وقتی دختر بزرگ من ازدواج کرد، مراسم عقد و ازدواجش در یک روز و در آپارتمان کوچک مسکونی خودمان انجام شد. کاملا بی‌سر و صدا و در حد یک مهمانی ساده با پذیرایی جای و شیرینی، برگزار شد. همیشه به بچه‌های خودم و الان هم به نوه‌ها توصیه می‌کنم که زود ازدواج کنند. این یک نصیحت صرف نیست بلکه توصیه و حتی اصرار هم در آن هست. نوه‌های من با اینکه شغل هم نداشتند اما خوشخانه زود ازدواج کردند.

در صحبت‌هایتان فرمودید

نوه‌های شما هنگام ازدواج شغل نداشتند. هیچ‌گاه با توجه به موقعیت شغلی و سیاسی شما، انتظار نداشتند که برای آنها توصیه و سفارشی بکنید؟

در توصیه خیر! نه این کار را بلدم و نه می‌کنم. در مراسم خواستگاری یکی از نوه‌هایم، پدر عروس خانم به من گفت که برای پیدا کردن شغل برای نوه‌تان توصیه‌ای بکنید. حتی یکی دو تا وزارتخانه را هم اسم بردند. آن موقع حرفی نزدم، اما بعد متوجه شدند که من اهل توصیه کردن نیستم. در مرایت کردند. اینجا کارهای کوچکی نیست و فداکاری ایشان را نشان می‌دهد. بیش از چند بساز فرمودند که زن هیچ وظیفه‌ای در قبال کارهای منزل ندارد و اصلی‌ترین وظیفه‌اش همسرداری و فرزندپروری است. امروزه بانوان علاوه بر این مسئولیت‌ها، در بیرون از منزل هم شاغل هستند و وقتی زن و مرد به خانه می‌آیند، متأسفانه مرد استراحت می‌کند و زن به تنهایی تمام کارهای خانه را انجام می‌دهد. بنابراین به‌نظرم بیشتر اشکالات احتمالا از طرف ما مردهاست. حقیقتا یادم نمی‌آید که دعوا و مشاجره‌ای بین من و همسرم پیش آمده باشد. مهر و محبت میان زن و شوهر و رعایت دستورات اسلامی بسیار مهم است. اگر آدم تقوی را رعایت کند، هیچ وقت با همسرش مشکل پیدا نمی‌کند و دلیلی ندارد با همسر و فرزندانمان به مشکل بخوریم.

فرزندان و نوه‌های شما در رده آقا‌زاده‌ها

جانمی‌گیرند؟

خیر! من آقانیستم که آنها آقا‌زاده باشند! بچه‌های من الحمدلله موفق هستند. زمانی که از آمریکا برگشتم، ۱۲ساله، ۱۰ساله و ۹ساله بودند و با اینکه فارسی هم بلد نبودند اما همین‌جا مدرسه رفتند و در همین ایران به دانشگاه رفتند. اینجا درس خواندند و الان همه عضو هیأت‌علمی دانشگاه هستند. نوه‌ها هم با ليسانس یا فوق‌لیسانس دارند. در زندگی به‌دنبال تجملات نبودند

و ازدواج‌های بسیار ساده‌ای داشتند. شیرینی زندگی به‌خانه و ماشین نیست! آنها را خدا به لطف خودش فراهم می‌کند و برکتی در زندگی می‌گذارد. همیشه هم این برکت، داشتن پول زیاد نیست. خانواده خوب و فرزندان خوب از برکت بسیار بزرگ می‌روم و است که باید قدرشان را بدانیم و خدا را شاکر باشیم و از زندگی در کنار هم لذت ببریم.

فرزندانتان به فکر زندگی در خارج از

ایران هستند؟

زمانی که در آمریکا زندگی می‌کردیم، استاد دانشگاه بودم و زندگی بسیار خوبی داشتم؛ فرزندانم هم آن زندگی را تجربه کردند. اما زندگی در ایران را بهشت نمی‌دانم. خانواده‌ام هم از صدر تا ذیل همین نظر را دارند و هیچ وقت به زندگی در خارج از ایران فکر نکرده‌اند.

در این ۵۸سال زندگی مشترک به یاد نمی‌آورم با همسرم مشاجره کرده باشم. اختلاف نظر طبیعی است که در مواردی وجود داشته، اما حتی یادم هم نمی‌آید که راجع به چه موضوعی بوده‌است



حلقه هزار دلاری را پس دادم!

قناعت یکی از ویژگی‌های «معصومه طباطبایی» همسر آقای دکتر مرندی است. دکتر مرندی از آن با ذکر خاطر‌های یاد می‌کند: «در آمریکا که بودیم حلقه ازدواج همسرم شکست و من حلقه‌ای برای او خریدم. وقتی همسرم قیمتش را پرسید و من گفتم هزار دلار، خیلی ناراحت شد و گفت تو می‌دانی من اهل طلا نیستم. از من خواست که حلقه را پس بدهم و من هم همین کار را کردم. روز بعد دیدم یک حلقه بسیار زیباتر در دست همسرم است. وقتی قیمتش را پرسیدم گفت یک دلار خریدم! همسرم همیشه در زندگی اهل قناعت بوده و هست. فرزندانم هم این ویژگی مادرشان را از همان کودکی دیده‌اند و در زندگی‌شان به همین شیوه رفتار می‌کنند و زندگی‌شان هم با قناعت شیرین‌تر است.»

■ ویژه‌نامه مهری ماه ■ شماره ۲ ■ فروردین ۱۴۰۳ ■ صفحه ۸

همیشه‌ای

ما

دکتر سپیده مرندی:

تغذیه با شیر مادر، تأکید همیشگی پدر است

سپیده سپیده مرندی، فرزند سوم و آخر خانواده دکتر مرندی است. او دانش آموخته مترجمی و آموزش زبان انگلیسی است و از سال ۱۳۷۷ تاکنون عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی است.

از او خواستیم برایشان از مهم‌ترین درس‌هایی بگویید که در زندگی از پدرش آموخته‌است.

■ اولویت دادن به دین و پایبندی به نظام؛ اینها چیزهایی بودند که در عمل از پدر یاد گرفتم. در تصمیم‌های بزرگ، اولویت ایشان کسب رضای خداوند بوده و در تصمیمات بزرگ، همیشه سعی می‌کردند کاری را انجام دهند که به صلاح و نفع نظام باشد و در جهت منویات حضرت امام(ره) یا مقام معظم رهبری (حفظه‌الله) باشد.

■ به‌عنوان پزشک، توصیه‌یکدشان به همه ما تغذیه ۲ سال فرزندانمان با شیر مادر بوده‌است.

■ مهم‌ترین ویژگی پدر این است که بسیار پرکار و وقت‌شناس هستند. اهل مطالعه و بسیار متواضع و با گذشت هستند. اگر با کسی اختلاف‌نظری پیدا کنند یا دلخوری پیش بیاید، چه مقصر باشند، چه نباشند عذرخواهی می‌کنند.

■ خیلی محبت خود را ابراز می‌کنند، ما نسبت به مادرم و هم نسبت به همه ما و کلا همیشه این توصیه را به زوج‌ها دارند که محبت خود را ابراز کنند.

همیشه با پدر مشورت می‌کنیم

■ دوران جنگ دوران جوانی من بود. پدر من هم در آن شرایط، کار و مسئولیتشان زیاد بود. گاهی از صحبت‌های برخی دوستانم متوجه می‌شدم آنها تقریباتی همراه با پدر دارند که به‌دلیل مشغله زیاد پدرم، برای ما پیش نمی‌آمد. مواقع کمی پدر در خانه بودند، اما در همان مواقع، خیلی راحت با ایشان در موضوعات مختلف گفت‌وگو می‌کردیم و به‌ما مشاوره می‌دادند. یادم هست زمانی که دانشجو بودم سر یک کلاس، استاد، عزاداری امام حسین (علیه‌السلام) را مورد موعظه قرار داد و بی‌حرمتی کرد. خیلی ناراحت شدم. همان شب موضوع را برای مادرم تعریف کردم. پدرم مشغول مطالعات کاری بودند، اما در بحث ورود کردند و راهنمایی‌های خیلی خوبی برای پیگیری مسئله کردند. برابم خیلی شیرین بود که دغدغه‌های ما برای ایشان مهم است.